یادداشت میهمان

حلقه مفقوده ادعای صلح شرافتمندانه

دکتر محمدحسین محترم

۱- مرحوم جلال آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی تنها مشخصه آدم غرب‌زده را «ترس و بی‌شخصیتی» عنوان و تأکید می‌کند «اگر در غرب شخصیت افراد فدای تخصص شده است، این‌جا آدم غرب‌زده نه شخصیت دارد، نه تخصص، فقط ترس دارد. ترس از فردا، و ترس از معزولی، و بی‌نام و نشانی، و ترس از افشای خالی بودن وجودشان»! وی صریحاً غرب‌زده‌های مدعی روشنفکری را «جاده صاف‌کن‌های غرب و مایه بدبختی ملت» برمی‌شمرد و روشنگری می‌کند که «غربی‌ها و فراماسون‌ها خوب و بد ندارند و همه‌شان سر و ته یک کرباسند و متخصصی که غربی می‌پرورد، شخصیت ندارد و ما درست از همین جا باید شروع کنیم، یعنی متخصص باشخصیت بپروریم»!

۲- به‌جرأت و صراحت می‌توان گفت که شهادت قائد شهید و شهادت و شهید شدن مردم و کودکان میناب را باید نتیجه تفکر غرب‌زدگی و مواضع آمریکادوستی جماعتی در کشور دانست! چرا و چگونه، و مگر رهبر شهیدمان چه کرده بود که شهادت آن ابرمرد تاریخ را باید نتیجه چنین تفکری دانست؟! اجمال پاسخ این سؤالات در دو جمله نهفته است: یک- تفکر غرب‌زدگی و مواضع و ادعای دروغ و فریبکارانه جماعت غرب‌گرایان است که با بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و کوچک‌نمایی دستاوردها و نقاط قوت یک ملت، و با پالس منفی و گرا دادن به دشمن، موجب ایجاد توهّم ضعیف بودن و یا ضعیف شدن یک کشور در دستگاه محاسباتی دشمن و گستاخی و حمله او به کشور و ایجاد امیدواری او به نتایج جنایاتش می‌شوند. دو- امام شهیدمان نه از زمان رهبری بلکه از اول مبارزاتشان ایستادگی در مقابل تفکر غرب‌زدگی را با جهاد تبیین و آگاهی‌بخشی به مردم و ایستادگی در مقابل نقشه‌های شوم غرب‌گرایان در کنار ایستادگی در مقابل خود غرب مستکبر به رهبری استکبار آمریکا را یکی از اولویت‌ها و وظایف خود قرار داده بودند و در این مسیر با صبوری و خون‌دل خوردن همچون پدری حکیم ملت منفعل ایران را به ملت مبعوث‌شده تبدیل و جماعت کم‌تعداد اما پرسروصدای غرب‌گرا را افشا و منزوی کردند تا مردم، دیگر فریب غرب دروغین و جماعت غرب‌زده را نخورند. یکی از شاخصه‌های رهبر شهید، غرب‌شناسی و افشای نیرنگ‌های غرب‌گرایان بود که به مردم می‌فهماندند که چگونه ابزار آمریکا و به قول جلال آل‌احمد «جاده صاف‌کن» غربی‌ها در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان هستند. مهم‌تر اینکه رهبر شهید آسیب‌پذیری دشمن را هویدا و آن را به مردم می‌فهماندند. لذا این جماعت داخلی به صراحت گفته بودند که «دوست داشتیم ترامپ رأی بیاورد، چون فشارهای او می‌تواند حاکمیت را مجبور به تغییر سیاست کند»! و اکنون نیز رئیس حزب متبوع گوینده همین سخن برای رهبری نسخه می‌نویسد که دیگر نمی‌شود با سیاست رهبر شهید در مقابل آمریکا ایستاد و باید تغییر راهبرد، و به قول آن هم‌کیشش «تغییر پارادایم» داد! البته این برون‌ریزی مکنونات قلبی نشان می‌دهد که این جماعت جاده‌صاف‌کن آمریکا چقدر با ترامپ و منافقین و پهلوی‌چی‌ها و اسرائیلی‌ها هماهنگ و از برنامه‌های آن‌ها آگاه هستند و برنامه‌ریزی‌شده در پازل آن‌ها به ایفای نقش می‌پردازند!

۳- نکته جالب در جنگ روانی و بازی سیاسی کنونی، هم در آمریکا و هم در ایران هر دو طرفِ همسو تمام توان رسانه‌ای و سیاسی خود را به میدان آورده‌اند. ترامپ در آمریکا و غرب‌زده‌های داخلی دست به دامن لیدرهای فسیلی و مسئولان و مدیران اسبق و اسبق‌تر و بعضاً فسیل‌های سیاسی شده‌اند تا با ادعاهای فریبکارانه عقلانیت و روشنفکری و روابط بین‌الملل و حل مشکلات اقتصادی مردم، افکار عمومی را منحرف و جاده صاف‌کن مسیر آمریکا شوند برای رسیدن به اهدافی که در جنگ نتوانست، که البته خوابی تعبیرنشدنی است. ترامپ که در بیش از ۱۸۰ روز نتوانست از یک‌سو با ناوها و جنگنده‌ها و موشک‌هایش و از طرف دیگر با دروغ‌ها و شکلک درآوردن‌ها و تهدیدات هرروزه‌اش در فضای مجازی به اهداف خود برسد، اکنون به دلیل بی‌آبرو شدن و آشکارتر شدن ناتوانی‌اش، وزیر خزانه‌داری و رئیس‌مجلس نمایندگان و امثال وزیر اسبق جنگ و رئیس اسبق‌تر سیا را پیش انداخته، و در ایران نیز تعدادی از مقامات بلندپایه اسبق و چند مدیر دون‌پایه اسبق و اسبق‌تر را؟!

۴- در حالی که ملت ایران در اوج همگرایی و وحدت، و با ایستادگی خود در میدان در اوج امیدواری به آینده هستند، رئیس‌جمهور اسبق و لیدر فسیل‌شده سیاسی جماعت غرب‌گرا در وسط معرکه جنگ «جدایی اکثریت جامعه» و «ناامیدی از آینده» را القا می‌کند، و در حالی که آمریکا تمام بندهای تفاهم‌نامه را نقض کرده و مجدداً کشور و مردم جنوب را مورد آماج حملات کینه‌توزانه خود قرار داده، خائنانه نسخه «صلح شرافتمندانه» می‌پیچد که «هیچ‌کس نباید تفاهم‌نامه را نقض کند و نقض را با نقض نباید پاسخ داد» تا منافع آنان و اربابشان با «تنش‌زایی» به خطر نیفتد، و از سوی دیگر در تناقضی آشکار و فریبکارانه برای کشته شدن مردم و منافع ملی اشک تمساح می‌ریزد! نکته مهم این است که علی‌رغم در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی از سوی وی و جماعت حامی‌اش در دولت اصلاحات، و ادعای گفت‌وگوی تمدن‌ها، و حماقت یا خیانت ادعای اینکه دنیای کنونی دنیای گفتمان است نه موشک، و با وجود در پیش گرفتن سیاست مذاکره و توافق با آمریکا تحت هر شرایطی و به هر قیمتی، دشمن تاکنون با انواع و اقسام تحریم‌ها و تهدیدها و ترورها و تجاوزها و جنگ اوج تنش‌زایی را به نمایش، و خود این جماعت و شخصیت آن‌ها را زیرپا گذاشته است. مرحوم جلال آل‌احمد درد این جماعت را به‌خوبی تشخیص داده بود که همان ترس و بی‌شخصیتی است. یکی دیگر از این مسئولان اسبق که به قول جلال آل‌احمد تنها شاخصه آن‌ها جاده صاف‌کنی غرب است، ملت ایران را تندرو و روانی القا و ادعا می‌کند «مگر کشورهای همسایه برگ چغندر هستند که در مقابل زدن تأسیسات نفتی‌شان از سوی ایران سکوت کنند؟!». در حالی که به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که مگر ایران باید برگ چغندر باشد که زیرساخت‌هایش زده شود و سکوت کند؟! حالا در پاسخ این گوینده که توقع دارد مردم در مقابل تجاوز به خاک و وطنشان ساکت شوند، باید گفت که شما تندرو هستید و مشکل روانی دارید که به ملت ایران توهین و مردم را برگ چغندر فرض می‌کنید، یا ملت مبعوث‌شده از هر قشر و سلیقه‌ای که جانانه و ظفرمندانه در مقابل تجاوز به وطن و کشورشان ایستاده‌اند و سکوت نمی‌کنند؟! آیا تندرو و روانی ملت ایران هستند که در یک رفراندوم بی‌همانند تاریخی و رستاخیزگونه و دشمن‌شکن ۱۸۰ شب در میادین و میدان استوار و مقاوم ایستاده‌اند، یا آن‌هایی که کورند و این رفراندم عظیم را نمی‌بینند و خائنانه و فریبکارانه در بحبوحه جنگ ادعای برگزاری رفراندوم می‌کنند؟! وقاحت و خیانت این جماعت تا بدان‌جا است که گرفتن انتقام رهبر شهید و فرماندهان و دانشمندان و مردم و کودکان میناب را در تضاد با منافع ملی القا می‌کنند و فریبکارانه از رهبری جدید می‌خواهند راه رهبر شهید را ادامه ندهد و به جای اعمال یک خط سیاسی مشخص، راهبرد مقاومت را به راهبرد ادعایی زندگی مردم تغییر دهد! لیدر یکی از احزاب جماعت غرب‌گرا در حالی که کشور مورد سه تجاوز آشکار آمریکا در یک سال گذشته قرار گرفته، و در حالی که فرمانده جنگ اقتصادی به‌اصطلاح خردکننده آمریکا ادعا می‌کند «ترامپ با آغاز یک کمپین بی‌سابقه در حال پایان دادن به تهدید ایران است»، به دروغ ادعا می‌کند «ترامپ در سند راهبردی آمریکا لحنی ملایم‌تر در مقابل ایران نسبت به گذشته به کار برده و ایران را دیگر به‌عنوان تهدید سطح اول تلقی نکرده است»! با فاکتور گرفتن از گذشته، اگر سه تجاوز آشکار با این همه شهید و در رأس آن امام شهید و فرماندهان و دانشمندان، و اگر «کمپین بی‌سابقه تحریم‌های خردکننده» ترامپ از نظر این جماعت غرب‌گرا لحن ملایم آمریکا تلقی می‌شود، باید سؤال کرد لحن تند آمریکا را چگونه توصیف می‌کنند؟! آیا با این مواضع و این سطح از مزدوری با قیافه دلسوزی برای مردم، نباید روشنفکران متعهدی همچون آل‌احمد و رهبر شهید به ملت هشدار دهند که این جماعت جاده صاف‌کن غرب و آمریکا هستند که اکنون گرا می‌دهند که آمریکا باید از لحن تند خود یعنی بمب اتمی استفاده کند؟! آمریکا تاکنون از تمام ابزارها و گزینه‌ها و لحن‌های ملایمش! از تحریم و فشار اقتصادی و کودتا و تهدید و نفوذ و آشوب و جنگ استفاده کرده و دیگر ابزاری باقی نمانده است که به کار نگرفته باشد. اما این جماعت علی‌رغم این همه تجاوز آمریکا به کشور و خیانت به مذاکره، همچنان سیاست خارجی مبتنی بر تعامل و مذاکره حتی با دشمنان را تحت هر شرایطی و به هر قیمتی با قیافه دفاع از منافع ملی و رفاه مردم تجویز می‌کنند و تلاش دارند ترس خود را به مردمی منتقل کنند که حتی اصابت مستمر و مکرر موشک‌های دشمن در چندمتری آن‌ها، آن‌ها را نترساند و صفوف منسجم و متحدشان را در تجمعات شبانه به هم نریخت!

بقیه در صفحه ۷

گزارش خبری تحلیلی کیهان

پاسخ محاصره اقتصادی ایران
حمله به منافع حیاتی آمریکا در منطقه

سرویس سیاسی-

ایستایی مردم و نیروهای مسلح در خیابان و میدان، کاخ سفید را مجدداً به دور باطل تحریم‌ها کشانده است؛ اما پاسخ تهران این‌بار تغییر قاعده بازی است و تمام شریان‌های حیاتی و مواضع چندصد میلیارد دلاری آمریکا در منطقه را در تیررس موشکی قرار داده و تلافی خواهد کرد.

کارزار سیاست خارجی کاخ سفید در قبال جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که در یک دور باطل و تکراری سرگردان است. واشنگتن پس از مشاهده شکست‌ناپذیری ایران، عدم دستیابی به اهداف اولیه و برخورد با سد محکم مقاومت میدانی، مجدداً خط تحریم‌های اقتصادی را فعال کرده است؛ چرخه‌ای تکراری که نه نشان از قدرت، بلکه گواهی روشن بر بن‌بست راهبرد نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده است.

رئیس دولت تروریستی آمریکا این بار با تهدید صریح کشورها و طرف‌های تجاری ایران به انزوا، تلاش می‌کند ناکامی‌های گذشته را جبران کند. با این حال، واکنش منفی و عدم همراهی چین و روسیه، نشان داد که ابزار تحریم یک‌جانبه کارایی پیوستگی جبهه جهانی خود را از دست داده است.

دست ایران در تلافی باز است

اما نکته اساسی در این میان، پاسخ و تغییر رویکرد تهران است. جمهوری اسلامی ایران که پیش‌تر در میدان نبرد پاسخ نقض عهدهای واشنگتن را با زدن مواضع و تجهیزات آمریکایی در منطقه داد و پایگاه‌های نظامی آمریکا را به گورستان متروکه تبدیل کرد، این بار ورق جدیدی را رو می‌کند. پاسخ جدید ایران، «زدن شبکه منافع و شریان‌های اقتصادی آمریکا در منطقه» است.

در همین راستا، سرلشکر رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی صراحتاً هشدار داده است: «در صورت ادامه محاصره اقتصادی، شرکت‌های اقتصادی آمریکا را در منطقه خواهیم زد.» وی تأکید کرد: «تا امروز، ما فقط پایگاه‌های نظامی را هدف قرار داده‌ایم، اما اگر بخواهند تحریم‌های اقتصادی علیه ما اعمال کنند، آمریکا شرکت‌های نفتی و اقتصادی در اطراف ایران و نقاط دیگر دارد و ما آنها را هدف قرار خواهیم داد.»

همزمان، غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه نیز با تبیین ابعاد این دکترین جدید اعلام کرد: «اگر اقدامات آمریکا ادامه پیدا کند ایران ظرفیت‌های جدیدی را رو خواهد کرد.» وی با تأکید بر اینکه دست ایران در پاسخ‌دهی بسته نیست گفت: «تنگه هرمز تنها ابزار ما مقابل آمریکا نیست. آمریکا نباید فکر کند که خودش تنها طرفی است که می‌تواند آسیب اقتصادی وارد کند.»

منافع اقتصادی آمریکا در منطقه در تیررس ایران

موازنه قدرت پس از باختن قافیه در جنگ به‌شدت تغییر کرده است. واشنگتن و متحدان منطقه‌ای‌اش نادیده می‌گیرند که تداوم فشار بر تهران، شریان‌های میلیارد دلاری سرمایه و زیرساخت‌های چندملیتی آن‌ها را مستقیم در معرض تلافی متقابل قرار می‌دهد.

بررسی داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که بیش از ۴۳۰ شرکت چندملیتی در زیست‌بوم فناوری رژیم صهیونیستی مستقر هستند که غول‌هایی نظیر گوگل، آمازون، سیسکو، دل، آی‌بی‌ام، اینتل، متا، مایکروسافت، اوراکل، انویدیا، فیلیپس، کوالکام، وسترن دیجیتال، جنرال الکتریک، جنرال موتورز و اچ‌پی هر کدام با داشتن بیش از ۵۰۰ نیروی متخصص، شریان اصلی آن را تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها که قریب به اتفاق آن‌ها آمریکایی هستند سهمی ۹۱ درصدی از کل ارزش معاملات فناوری رژیم در سال ۲۰۲۴ داشته و مسئولیت مستقیم ۶۰ درصد از صادرات فناوری پیشرفته و ۴۰ درصد از هزینه‌های تحقیق و توسعه را بر عهده‌دارند.

همچنین در سطح کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز حجم سرمایه‌گذاری‌ها و قراردادهای شرکتی به ارقام بی‌سابقه‌ای می‌رسد. در امارات بیش از ۱۵۰۰ شرکت آمریکایی فعال هستند که بازیگرانی چون مایکروسافت، بانک آمریکا، کلینیک کلیولند، اوبر، استارباکس، انویدیا، بوئینگ، جنرال موتورز، فدکس، مکسار تکنولوژیز، نورثروپ گرومن، آمازون، گوگل و مسترکارت را در بر می‌گیرد. تنها در سازمان مناطق اقتصادی یکپارچه دبی (شامل منطقه آزاد فرودگاه DAFZ، شهرک سیلیکون DSO و شهر تجاری DCC) بیش از ۱۱۲ شرکت آمریکایی حضور دارند. در بخش انرژی امارات نیز مفاصل حیاتی نظیر میدان نفتی آپر زاکوم، مجتمع روئیس و میدان شاه ابوظبی متکی به مشارکت شرکت‌های آمریکایی نظیر اکسون‌موبیل و اکسی‌دنتال پترولیوم است.

این وابستگی متقابل در عربستان سعودی با صدور ۱۲۶۶ مجوز سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های آمریکایی، حضور حدود ۲۰۰ دفتر مرکزی منطقه‌ای و فعال بودن بیش از ۷۰۰ شرکت آمریکایی نمود پیدا می‌کند؛ به‌طوری که ایالات متحده با ۱۵.۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم تا پایان ۲۰۲۴، رتبه ششم سرمایه‌گذاری در این کشور را دارد. مجموعه‌هایی نظیر انویدیا، آمازون، گوگل، مایکروسافت و اوراکل مشغول احداث مراکز داده و زیرساخت‌های ابری میلیاردی در عربستان هستند و در بخش نفت و پتروشیمی نیز مجتمع‌های عظیمی مانند پالایشگاه سامرف و مجموعه صنعتی ینبع با حضور مستقیم اکسون‌موبیل اداره می‌شوند.

در قطر، تجار آمریکایی با ثبت بیش از ۴۰۰ شرکت که ۴۰ مورد آن با سرمایه‌گذاری ۱۰۰ درصدی آمریکا همراه است، شریان‌های تجاری را در دست دارند؛ از جمله مشارکت ۲۹ میلیارد دلاری شرکت اکسون‌موبیل با ۲۵ درصد سهم در پروژه‌های ال‌ان‌جی گنبد شمالی قطرانرژی. همچنین در کویت حدود ۲۰۰ شرکت آمریکایی در حوزه‌های دفاعی، مهندسی، نفت و خدمات پزشکی ثبت شده و نمایندگی برندهای متعدد تجاری را اداره می‌کنند. در بحرین نیز بیش از ۲۰۰ شرکت آمریکایی در حوزه‌های فناوری و مشاوره مالی فعال هستند و حجم سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا با رشدی ۳۸.۶درصدی طی چند سال اخیر به بیش از ۵۳۷ میلیون دلار رسیده است. زیر ضرب بردن این حجم گسترده از تعاملات تجاری، شتاب توسعه اقتصادی این جغرافیا را کاملاً متوقف خواهد کرد.

سی‌ان‌ان: پروژه چند تریلیون دلاری آمریکا و اعراب در تیررس ایران

در همین راستا، گزارش چندی پیش شبکه سی‌ان‌ان نشان می‌دهد کشیده شدن منازعه به حوزه منافع شرکتی آمریکا، آینده سرمایه‌گذاری‌های دیجیتال در منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است. شیخ‌های خلیج‌فارس برنامه‌ریزی کرده بودند تا با اتکا به سرمایه‌گذاری مشترک و تعهدات کلان مالی فراتر از ۲ تریلیون دلار، منطقه خلیج‌فارس را پس از ایالات متحده و چین به سومین قطب بزرگ هوش مصنوعی (AI) در جهان تبدیل کنند. با این حال، تبدیل شدن مراکز داده و تأسیسات پردازشی به اهداف نظامی، تحقق این راهبرد چند تریلیون دلاری را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

داده‌های تحلیلی این شبکه به نقل از اساتید سیاست عمومی دانشگاه برکلی حاکی از آن است که ناامنی زیرساخت‌ها، فرار شرکت‌های فناوری از احداث مراکز داده جدید در کشورهای عربی را در پی دارد. غول‌های فناوری نظیر آمازون، گوگل، مایکروسافت، انویدیا و پالانتیر به‌دلیل پشتیبانی از پروژه‌های نظامی و اطلاعاتی واشنگتن، هدف مستقیم تلقی می‌شوند؛ به‌طوری که حمله موشکی انجام‌شده به مرکز داده آمازون در بحرین اثبات کرد ریسک این آسیب‌پذیری دیگر یک فرض نظری نیست.

این وضعیت، هزینه‌های جاری مالی را به شکل سرسام‌آوری افزایش داده است. بر اساس گزارش مدیران ارشد صنعت بیمه، نرخ بیمه ریسک جنگ برای مراکز داده و زیرساخت‌های ابری در منطقه جهش چشمگیری داشته و برخی مؤسسات بزرگ بیمه‌گر به‌کلی از صدور بیمه‌نامه برای پروژه‌های جدید فناوری امتناع می‌ورزند. از آنجا که حضور این شرکت‌ها ستون فقرات اقتصاد آینده، عملیات نظامی و توسعه فناوری محسوب می‌شود، متزلزل شدن امنیت این مراکز متراکم داده، پاشنه آشیل جدیدی برای آمریکا ایجاد کرده و نشان می‌دهد پیامدهای این جنگ برخلاف محاسبات اولیه، فراتر از بازار انرژی، گران‌ترین صنعت آینده جهان را هدف قرار داده است.

قاعده بازی تغییر کرده است

مرور سوابق تصمیم‌گیری در واشنگتن نشان می‌دهد که تحریم نه یک ابتکار جدید، بلکه سرپوشی بر ناکامی‌های نظامی و سیاسی است. به نوشته روزنامه واشنگتن‌پست، اعلام تحریم‌های جدید نخستین بار نیست که از سوی دولت آمریکا مطرح می‌شود. واشنگتن بارها شرکت‌های خارجی فعال در تجارت نفت ایران را تحریم کرده تا منبع اصلی درآمد کشور را مسدود سازد.

دولت آمریکا چه در قالب کارزار «فشار حداکثری» در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ و چه در قالب عملیات موسوم به «خشم اقتصادی» طی یک سال گذشته (حتی پیش از درگیری‌های نظامی اخیر)، تمامی ابزارهای تحریمی را برای وادار ساختن ایران به عقب‌نشینی آزموده است. ریشه بخشی از این تحریم‌ها به سال ۱۹۷۹ بازمی‌گردد و در طول دهه‌های گذشته به ابزاری همیشگی در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده‌اند تا در مواردی که قادر یا مایل به استفاده از نیروی نظامی نیستند، از آن بهره جویند. با این حال، سابقه تاریخی این اقدامات نشان می‌دهد که کارنامه تحریم‌ها در دستیابی به اهداف مدنظر کاخ سفید پیوسته با شکست همراه بوده است.

اکنون با ورود ایران به مرحله تلافی متقابل در حوزه منافع شرکتی و تجاری، معادله به زبان واشنگتن تغییر کرده است. اگر کاخ سفید قصد داشته باشد دور باطل تحریم را تداوم ببخشد، باید هزینه‌های سنگین آن را در انهدام شبکه‌ای و ناامنی کامل سرمایه‌گذاری‌های چندصد میلیارد دلاری خود در سطح منطقه بپذیرد.

سردار شکارچی:

رسانه‌های معاند در بانک اهداف نظامی ما هستند

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح گفت: رسانه‌های معاند سربازان صهیونیست و آمریکا هستند و در بانک اهداف نظامی ما جای می‌گیرند.

سردار شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح در گفت‌وگویی اظهار داشت: مرکز ثقل امپراطوری رسانه‌ای دشمن در اختیار صهیونیست‌هاست؛ رسانه‌هایی مانند «بی‌بی‌سی»، «ایران‌اینترنشنال» و «رادیو فردا» مستقیماً به «موساد»، «سیا» و سازمان‌های اطلاعاتی دشمن متصل هستند و از آن‌ها خط کاری و پشتیبانی دریافت می‌کنند.

به گزارش مهر، سردار شکارچی با بیان اینکه امروز با یک امپراطوری رسانه‌ای استکبار جهانی روبه‌رو هستیم، تصریح کرد: تمام ابزارهای نو و فناوری‌های پیچیده رسانه‌ای در اختیار دشمنان است و سرمایه‌گذاری مادی گسترده‌ای نیز در این حوزه انجام شده است؛ اما به دلیل قرارگرفتن رسانه انقلاب اسلامی زیر چتر عنایت الهی، این رسانه بر دشمن غلبه پیدا می‌کند.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح با اشاره به اینکه مرکز ثقل امپراطوری رسانه‌ای دشمن در اختیار صهیونیست‌هاست، گفت: رسانه‌هایی مانند «بی‌بی‌سی»، «ایران‌اینترنشنال» و «رادیو فردا» مستقیماً به «موساد»، «سیا» و سازمان‌های اطلاعاتی دشمن متصل هستند و از آن‌ها خط کاری و پشتیبانی دریافت می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه نیروهای مسلح به این بنگاه‌های خبرپراکنی به‌عنوان رسانه نگاه نمی‌کنند، خاطرنشان کرد: افرادی که در این رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، سربازان صهیونیسم و آمریکای جنایتکار محسوب می‌شوند و حتی می‌توان آن‌ها را در بانک اهداف نظامی پیش‌بینی کرد؛ زیرا از نظر ما این‌ها رسانه نیستند.

سردار شکارچی با انتقاد از نقش این مجموعه‌های خبرپراکنی در ترویج خشونت در جهان گفت: هر خون‌ریزی و خشونتی در عالم با پشتیبانی این شبه رسانه‌ها انجام می‌شود؛ در حالی که رسانه باید امنیت‌ساز باشد و نخستین اولویت آن، امنیت روانی مردم و جامعه بشری باشد.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح ادامه داد: این شبه رسانه‌ها نه‌تنها به دنبال امنیت روانی جامعه بشری نیستند، بلکه منشأ ترویج، تبلیغ و گسترش خشونت در جهان هستند و روان بشریت را برهم ریخته‌اند.

وی در پایان با تأکید بر ضرورت ارتباط‌گیری با افکار عمومی جهان تصریح کرد: نمی‌توانیم فقط با زبان فارسی با دشمنی که اهداف آن شیطانی و غیربشری است درگیر جنگ رسانه‌ای شویم؛ این دشمن با هیچ منطق و عقلانیتی سازگار نیست، بنابراین باید در حوزه‌های مختلف و عرصه‌های گوناگون با کل مردم جهان ارتباط برقرار کرده و پرده از رخ جنایتکاران برداریم.

سخنگوی سپاه: هیچ شناور نظامی دشمن در خلیج فارس نیست

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به سؤالی درباره آخرین وضعیت تنگه هرمز اظهار کرد: تنگه هرمز در اختیار ماست و هیچ شناور نظامی دشمن داخل خلیج فارس حضور ندارد.

سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به سؤالی درباره آخرین وضعیت تنگه هرمز اظهار کرد: تنگه هرمز در اختیار ماست و هیچ شناور نظامی دشمن داخل خلیج‌فارس حضور ندارد.

وی افزود: تمام شناورهای جنگی دشمن دست‌کم ۴۰۰ کیلومتر از تنگه هرمز فاصله گرفته‌اند و از نظر نظامی و سرزمینی، هیچ شناوری بدون اجازه و مدیریت ایران قادر به عبور از این آبراه نیست. به گزارش مهر به نقل از سپاه نیوز، سخنگوی سپاه خاطرنشان کرد: آبراهی که در نزدیکی عمان قرار دارد نیز به‌طور کامل تحت کنترل ماست.

خبر ویژه

درس قلدرستیزی کانادا به کدخداپرستان

حرکت اخیر کانادا در برابر قلدرمآبی کاخ سفید، تلنگر محاسباتی در دکترین سازشکارانی است که سال‌هاست تسلیم‌طلبی و زانو زدن در برابر کدخدا را تنها راه بقا جا می‌زنند.

کانادا، یعنی نزدیک‌ترین متحد سنتی و شریک استراتژیک واشنگتن، به همان جمع‌بندی رسیده است که سال‌ها جریان انقلاب اسلامی بر آن تأکید دارد: «در برابر زورگو، انفعال به عقب‌نشینی می‌انجامد، نه لبخند.»

دولت کانادا در پاسخ به تحریم‌ها و تعرفه‌های یکجانبه آمریکا، آستین بالا زد تا ثابت کند زبان قدرت را باید با ابزار قدرت پاسخ داد. اوتاوا با رسمیت بخشیدن به تعرفه‌های متقابل ۱۵، ۲۵ و ۵۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از آمریکا، پیام روشنی مخابره کرد. «فرانسوا- فیلیپ شامپانی»، وزیر دارایی کانادا، در نشست خبری روز سه‌شنبه (۳ شهریورماه) اعلام کرد که پاسخ اوتاوا «متناسب، هدفمند و استراتژیک» خواهد بود و تعرفه‌های واشنگتن را دقیقاً «دلار به دلار و نرخ به نرخ» تلافی می‌کند.

این موضع سرسختانه، یادآور تجربه اروپا در ماجرای گرینلند است. روزنامه انگلیسی گاردین پس از نشست داووس نوشت: «درس این ماجرا برای اروپا واضح است؛ رهبران اروپا باید بفهمند که حتی قاطعیت آزمایشی آن‌ها بسیار بهتر از چاپلوسی‌ها، عقب‌نشینی‌ها و تسلیمی‌ها است که در گذشته برابر ترامپ داشتند. او فقط زبان قدرت و زور را درک می‌کند.»

معادله ساده است، وقتی غرب نیز تفاهم با زورگو را خیانت به منافع ملی می‌داند، جریان غرب‌گرا و اصلاح‌طلب در داخل ایران همچنان خواب «دیپلماسی لبخند» را می‌بینند. در حالی که متحدان درجه‌یک آمریکا فهمیده‌اند عقب‌نشینی، اشتهای طرف مقابل را برای امتیازگیری بیشتر می‌کند، آقایان در داخل نسخه‌های مطلوب دشمن رو می‌کنند و می‌گویند: «بنای ما تفاهم و حل مسائل از طریق تعامل است! گره‌ای که می‌شود با دست باز کرد را نباید با دندان باز کرد!»

آقایان مدعی دیپلماسی پاسخ دهند اگر «زبان دنیا» همان التماس و انفعال است، چرا کانادا برای حفظ حقوق خود دست به تلافی سخت تجاری زد؟!

اگر مذاکره بی‌هزینه پاسخگوی تحریم‌هاست، چرا اروپایی‌ها برای مهار واشنگتن به مانور نظامی و خطونشان کشیدن روی آوردند؟

حقیقت تلخ برای طراحان «نسخه انفعال» این است که تکیه بر حسن‌نیت یک‌طرفه در بین‌الملل، چیزی جز حراج منافع ملی نیست. امروز حتی هم‌پیمانان واشنگتن مرز میان «دیپلماسی» و «تسلیم» را پر کرده‌اند؛ اما برخی در داخل، گویی کماکان اصرار دارند گره افتاده بر معیشت مردم را با دندان زیاده‌خواهی‌های آمریکا باز کنند، نه با اقتدار ملی.

دولت پاکستان دنبال گرفتن حق دلالی از آمریکا

تقلا و تلاش «عاصم منیر» برای پل زدن میان تهران و واشنگتن فراتر از دغدغه‌های برادرانه و ادای حق همسایگی به نظر می‌رسد.

فرمانده ارتش پاکستان پیش از سفر به ایران با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد؛ خبر این تماس تلفنی و سفر فیلد مارشال پاکستانی به تهران با تیترهای معنادار «ماموریت ژنرال»، «ژنرال میانجی در تهران»، «میانجی‌ها در تهران» و «سفیر نجات تفاهم» در جراید منعکس شد.

مدتی از ملاقات عاصم منیر با مقامات ایرانی نگذشته بود که «خرم شهزاد»، مشاور وزیر دارایی پاکستان از تعامل سازنده با ایالات متحده برای دریافت تسهیلات خبر داد؛ خبرگزاری «رویترز» نیز به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که تسهیلات درخواستی حدود ۱۰ میلیارد دلار است که در صورت تایید، می‌تواند راه نجاتی برای اقتصاد کشور پاکستان باشد.

همزمانی سفر و درخواست وام ۱۰ میلیارد دلاری، شائبه «حق دلالی» را پر رنگ‌تر از دغدغه همسایگی و برادری می‌کند؛ در همین شرایط شبکه لبنانی «المیادین» از سفر قریب‌الوقوع شیخ «محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی»، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر به تهران خبر داد؛ سفری که مشخص نیست با انگیزه مالی انجام می‌شود یا برای ایفای نقش منطقه‌ای مورد توجه نخست‌وزیر قطر است!

گفت و شنود

دویدم و دویدم!

گفت: تهدید «بسنت»، وزیر خزانه‌داری ترامپ که گفته بود سخت‌ترین و شکننده‌ترین حملات اقتصادی را علیه ایران به کار می‌بریم، چی شد؟ به کجا رسید؟!

گفتم: تا حالا ده‌ها بار تهدید کرده‌اند و بعد که می‌دیدند توان انجام آن را ندارند و ایران آماده مقابله است، بهانه می‌آوردند که چند کشور از آمریکا خواسته‌اند که فعلاً دست نگه دارد(!) و... این دفعه هم فرمانده ارتش پاکستان را فرستاده‌اند تا به بهانه میانجیگری او، عقب‌نشینی خود را توجیه کنند!

گفت: نه فقط مقامات و رسانه‌های آمریکایی، بلکه تقریباً همه صاحبنظران و کارشناسان در سراسر دنیا به شکست آمریکا اعتراف کرده‌اند و تهدیدهای ترامپ را لاف گزاف و قُمپزهای احمقانه می‌دانند.

گفتم: به حلزون گفتند؛ یک خاطره تعریف کن! گفت؛ دویدم و دویدم، سر کوهی رسیدم!

در پاسخ به یادداشت مدیرمسئول کیهان

قالیباف: مرز خود را با غرب‌گرایان و جریان فتنه حفظ کرده‌ام

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به یادداشت مدیرمسئول کیهان نوشت: همان‌طور که شما به حقیر لطف داشتید، آن‌هایی که این برادرتان را می‌شناسند می‌دانند از نخستین روزهای انقلاب، مرز خود را با غرب‌گرایی، فتنه‌گری، انحراف، تحریف خط امام و هر جریانی که حل مسائل کشور را در گرو رضایت بیگانگان می‌بیند، روشن و عملی حفظ کرده‌ام.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به نامه حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان نوشت: ما با آنان که به جای تکیه بر قدرت مردم، چشم به دست دشمن دارند، اختلافی صرفاً تاکتیکی نداریم؛ بلکه اختلافی مبنایی داریم.

متن کامل نامه محمدباقر قالیباف به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

برادر ارزشمند عرصه قلم و رسانه

جناب آقای حاج حسین شریعتمداری

سلام علیکم

نخست لازم می‌دانم از خیرخواهی، دغدغه‌مندی و تذکر برادرانه جنابعالی سپاسگزاری کنم. سالیان متمادی است که شما را از فرماندهان جنگ نرم و در صف پیشتازان دفاع از انقلاب اسلامی، شناخته‌ام.

در مکتب قرآن، تذکر مؤمنانه نه مایه رنجش، که نشانه برادری است؛ که خداوند متعال فرموده: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». از این رو، تذکر شما را نه از سر تقابل، بلکه از جانب برادری دینی و انقلابی و کارآزموده در عرصه قلم به برادر کوچک‌تر خود تلقی می‌کنم.

این‌جانب خود را سربازی کوچک از خیل مجاهدان انقلاب می‌دانم؛ کسی که سرمایه اصلی‌اش را نه در مناصب و عناوین، بلکه در عهدی می‌جوید که با امام راحل عظیم‌الشأن، امام شهید و رهبر معظم انقلاب، مردم مؤمن ایران و خون پاک شهیدان بسته است.

امروز نیز مسئولیت دشوار مذاکره با دشمنانی که دستشان به خون امام شهید این ملت، دوستان و هم‌رزمانم و زنان و کودکان و فرزندان این سرزمین آلوده است، برای من نه امتیاز، بلکه امتحانی سنگین و امانتی خطیر است. از شما برادر عزیزم و همه مردم شریف ایران درخواست می‌کنم برای عاقبت‌به‌خیری این برادر کوچک خود دعا کنند.

و اما مذاکره در نگاه این‌جانب، نه ارزش ذاتی دارد و نه تابو است؛ نه مطلقاً خیر است و نه مطلقاً شر. مذاکره هنگامی معنا می‌یابد که ابزار پیشبرد منافع ملی، احقاق حقوق ملت، رفع ظلم و تثبیت دستاوردهای مقاومت باشد. سال‌هاست در سپاه آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» روی قلبم حک شده است و با چنین منطقی، گفت‌وگو نیز اگر لازم باشد، همان میدان مبارزه و مقاومت است؛ نه جایگزین آن و نه نشانه عقب‌نشینی از آن.

امام کبیرمان با همه صراحت و ایستادگی در برابر استکبار، اداره کشور و حفظ مصالح اسلام و مسلمین را در چارچوب عقلانیت، تدبیر و تشخیص مسئولان متعهد می‌دیدند و به ما آموختند که معیار، حفظ اسلام، استقلال کشور، عزت مردم و نفی سلطه بیگانگان است. امام شهیدمان نیز بارها بر این حقیقت تأکید کرده‌اند که تعامل با دنیا با وابستگی و تسلیم تفاوتی بنیادین دارد؛ و مذاکره، هرگاه لازم باشد، باید از موضع قدرت، با حفظ عزت، حکمت و مصلحت دنبال شود.

همان‌طور که شما به حقیر لطف داشتید، آن‌هایی که این برادرتان را می‌شناسند می‌دانند از نخستین روزهای انقلاب، مرز خود را با غرب‌گرایی، فتنه‌گری، انحراف، تحریف خط امام و هر جریانی که حل مسائل کشور را در گرو رضایت بیگانگان می‌بیند، روشن و عملی حفظ کرده‌ام. ما با آنان که به جای تکیه بر قدرت مردم، چشم به دست دشمن دارند، اختلافی صرفاً تاکتیکی نداریم؛ بلکه اختلافی مبنایی داریم.

در عین مرزبندی با غرب‌گرایی باید بگویم که هر اقدام عقلانی از موضع انقلابی، هر گفت‌وگوی مقتدرانه یا هر تلاش برای گرفتن حق ملت از دشمن، نباید به نادرست در ذیل سازش و انفعال تعریف شود.

دشمن همواره می‌کوشد میان نیروهای انقلاب سوءتفاهم و اختلاف ایجاد کند و سرمایه همدلی آنان را فرسوده سازد. با عنایت به آیه شریفه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» باور دارم، نقد خیرخواهانه و هوشیاری انقلابی لازم است؛ اما نباید اجازه داد تفسیرهای شتاب‌زده و فضاسازی‌های سیاسی، باعث تضعیف سربازان این مرز و بوم در صورتی از جهاد یعنی مذاکره مجاهدانه و خدشه به وحدت، اعتماد و اعتقاد به نیروهای وفادار به امامین انقلاب و رهبری گردد.

در این مقطع زمانی نیز شانه از زیر بار مسئولیت مذاکره با دشمن خالی‌کردن و به کمین نشستن تا هر دستاورد تیم مذاکره‌کننده را خیانت نامیدن، عین عافیت‌طلبی دانستم. باید شانه زیر بار مسئولیت داد از ابزارهای قدرت حراست و حفاظت کرد تا بتوانیم دستاوردهای جنگ را تثبیت کرد و کشور را از بلایای خطیری که دشمنان برای آن نقشه کشیده‌اند، به سلامت عبور داد.

همان‌گونه که با غرب‌گرایی، انحراف و فتنه‌گری مرزبندی روشن داشته‌ام، با تندروی، بی‌انضباطی در گفتار و عمل، عدم رعایت تقوای سیاسی و خالص‌سازی از مردم و ولایت‌پذیری گزینشی مرز دارم و معتقدم عقلانیت انقلابی نقطه گم‌شده انقلابی‌گری است که باور به توأمان بودن عدالت و معنویت و عقلانیت دارد.

من معتقدم مردم‌باوری، خداباوری و خودباوری ارکان موفقیت ما است که براساس آن باید هسته سخت انقلاب را ۹۰ میلیون بدانیم، با باور به سنت‌های الهی اقدام کنیم و با عقلانیت متصل به وحی راه را روشن کنیم و آرمان‌ها را با واقع‌بینی دنبال کنیم و باور دارم که آنچه تضمین اصلی برای سعادت ما است تبعیت کامل از ولی‌فقیه است.

ولایت‌پذیری، انتخاب گزاره‌های دلخواه از سخنان ولیّ فقیه نیست؛ بلکه التزام عملی به منظومه رهنمودهای ایشان، از مقاومت در برابر دشمن تا حفظ انسجام ملی، از تقویت توان داخلی تا پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های زیان‌بار است.

کشور امروز با مسائل بزرگ و پیچیده و با دشمنی آشکار و چندلایه روبه‌روست. وظیفه ما آن است که توان و وقت خود را صرف حل مسائل مردم، افزایش اقتدار ایران، پاسداری از دستاوردهای مقاومت و ناکام گذاشتن دشمن کنیم؛ نه آنکه سرمایه محدود مسئولیت را در پاسخ‌گویی به همه برداشت‌ها و داوری‌های غیردقیق بیش از اندازه هزینه کنیم.

در پایان تذکر صادقانه و دلسوزانه جناب‌عالی را مغتنم می‌شمارم و از خداوند می‌خواهم به لطف خود من را ثابت‌قدم نگه دارد تا در راستای اعتلای اسلام و انقلاب و ایران عزیز همچنان انجام وظیفه کنم؛ «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً».

سرباز انقلاب - محمدباقر قالیباف

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* اگر ایران عزیز این‌گونه به‌طور مستقیم در مقابل حمله و تجاوز دو قدرت اتمی جهان و بزرگ‌ترین و قوی‌ترین ارتش جهان ایستاده است و این ارتش پرمدعا و متکبر را در تحقق اهدافش از جمله در تنگه هرمز عاجز و درمانده کرده است به پشتوانه و نتیجه قدرت و توانی است که با هدایت و راهبری مستقیم فرماندهی کل قوا به دست آمده است. این هدایت‌ها و حمایت‌ها، ایران را از واردکننده سیم‌خاردار در دوران دفاع مقدس اول، به صادرکننده پهپاد و در ردیف قدرت‌های موشکی جهان قرار داد! خداوند بر درجات امام شهیدمان لحظه به لحظه بیفزاید.
قربانی

* نهادسازی، ارتقای روحیه خودباوری، تشکیل جبهه مقاومت، تدابیر هوشمندانه برای عبور ایران از طوفان‌ها و گردبادهای سهمگین و قوی شدن برای روز واقعه و تربیت مردم برای مبعوث شدن برخی از جلوه‌های ایران قوی است که با سرپنجه تدبیر آقای شهید ایران تحقق پیدا کرد!
فاتحی

* سرلشکر محسن رضایی، نماینده امام خامنه‌ای در شعام و دبیر شورای عالی امنیت گفت: اصلاً وحدت بدون تبعیت از رهبر انقلاب امکان‌پذیر نیست. آنان که دائماً از وحدت و وفاق دم می‌زنند بدانند با عناصری که سال‌ها خون به دل ولایت کردند وفاق تنها لقلقه زبان خواهد بود.
نیک‌نام

* موانع، سختی‌ها و تحریم‌ها در مسیر رشد نظامی و دفاعی کشور اگر از عرصه اقتصاد بیشتر نبوده باشد کمتر نیست، با این حال توکل بر خدا، عزم انقلابی، باور به قوی‌تر بودن توانایی‌ها از موانع، نگاه جهادی و تبعیت محض از رهبری حکیمانه انقلاب چنین نتیجه شگفت‌انگیزی را رقم زد. پس برای حل مشکل اقتصاد کشور باید همین مسیر قوی شده دفاعی را رفت نه مسیر اقتصاد لیبرالی غربی را؟!
عبدخدایی

* ترامپ بار دیگر با اعلام حمله قطعی و گسترده به ایران و سپس منتفی اعلام کردن آن به بهانه مذاکره و...، یک‌بار دیگر از شیوه توئیت‌بازی برای کنترل بازار انرژی استفاده کرد. چه اشکالی دارد چند تا از مسئولان ارشد نظام نیز با منتفی اعلام کردن هرگونه مذاکره و توافق، ترفند ترامپ را خنثی کنند و محاسبات او را برهم بزنند.
خسروزاده

* چیزی که برای آمریکا و رژیم صهیونیستی ناراحت‌کننده است این است که ایران قادر است از طریق نفوذ خود بر گلوگاه‌های حیاتی دریایی، اقتصاد جهانی را تهدید کند و همچنین هزینه‌های راهبردی قابل‌توجهی را به طرف‌های درگیر باخود تحمیل نماید.
جوهری

* در دنیای امروز، قانون تا زمانی معتبر است که منافع قدرت‌های بزرگ را تامین کند، و هرجا پای ملت‌های مستقل، مقاومت، یا دفاع از مظلوم به میان بیاید، همان قانون ناگهان به ابزاری برای فشار، تحریف و محکوم‌سازی تبدیل می‌شود. به همین دلیل، آن سخن عمیق و ماندگار معنا پیدا می‌کند که برو قوی شو گر راحت جهان طلبی/ که در نظام طبیعت ضعیف پامال است.
عزیزخواه

* وقتی نخست‌وزیر عراق در برابر تحقیرهای آشکار واشنگتن، در برابر ترور فرماندهان مقاومت و در برابر دخالت‌های مکرر آمریکا در امور داخلی کشورش، پاسخ قاطع و بازدارنده‌ای ندهد، طبیعی است که دشمن گستاخ‌تر شود و میدان را برای تجاوز باز می‌بینند.
اخگر

* علت این که ترامپ احمق این روزها بیشتر تلاش خود را بار دیگر با تجربه ۴۷ساله خصومت غرب با جمهوری اسلامی، به میدان اقتصاد می‌کشاند، سرخوردگی، ناکامی و شکست در میدان نظامی است. که در صورت اهتمام و تدبیر درست مسئولان، بار دیگر در این میدان نیز شاهد افول این جانور خواهیم بود.
یزدانی

* نشریه هیل می‌نویسد؛ ایران مشغول بالابردن هزینه برای ترامپ است. هیچ‌کس در تهران به کمتر از تسلیم واشنگتن راضی نیست. زمان، بر خلاف تصور، نه به سود واشنگتن، بلکه در جهت افزایش اهرم‌های فشار ایران به گردش درآمده است.
غلامی

* چرا سران ترکیه و پاکستان، ده روز در کنار خانه کعبه، برای دفاع از ملت مظلوم فلسطین و لبنان که در معرض اشغالگری و جنایات رژیم صهیونیستی قرار دارند! ائتلاف تشکیل ندادند؟!
سرداری

* کارشناسان آمریکایی می‌گویند ترامپ؛ از نظر روانی به وضوح، درمانده، به ستوه آمده، خشمگین و سرخورده است. اما مثل هر دیکتاتور دیگر، به جای قبول اشتباه و شکست، سعی می‌کند ناکامی‌ها را پای حامیان و متحدان بنویسد و با مجازات آنها، سبک شود!
حرآبادی

* مسئولان و مدیران! در مقابل دشمن زبان نفهم، کوتاه آمد نیاید، اظهار ضعف نکنید، راه دور زدن فشارها را پیدا کنید، ضربه متقابل بزنید و او را ناامید کنید یا به زانو درآورید.
نوازنی

* دریاسالار پیشین فرانسوی، پاسکال اوسر، با اشاره به تحولات اخیر در تنگه هرمز، به نکته مهمی اشاره کرده و آن این است که ایران در زورآزمایی با آمریکا برتری تاکتیکی پیدا کرده و کنترل رگ حیاتی منطقه و بخش مهمی از اقتصاد جهان را در اختیار دارد.
جورکش

* مشکلی که ترامپ در دشمنی با ایران دارد این است که اهمیت عزت نفس و غرور ملی ایرانیان را دست‌کم گرفته و تصور می‌کند که می‌تواند تهران را با فشار، به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند. در حالی که شأن ایران و ایرانی با پذیرش زور و سلطه بیگانه است.
بحرانی

* مدعیان ناصادق صلح شرافتمندانه به یاد بیاورند محاصره دریایی علیه ایران، بلافاصله پس از آن صورت گرفت که ایران، زدن ضربات دردناک به دشمن را متوقف کرد و درخواست آمریکا از طریق واسطه‌ها برای آتش‌بس را پذیرفت.
طیبی

* چاره عداوت دشمن، ایمان و اراده و تدبیر و همت و سختکوشی است، نه اظهار ضعف.
داوری

* جماعتی که در روزهای تلخ دی ماه و سلاخی شدن مدافعان امنیت کشور و نیز در چهل روز تجاوز علنی دشمن به وطنمان « صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُم لَا يَعقِلُونَ» بودند، امروز و هنگام مجازات عمله‌های دشمن، زبانشان دراز شده و از عطوفت، بخشش و انسانیت حرف می‌زنند. عرض می‌کنم نفاق، سرتاپای این جماعت را گرفته و هدایت‌پذیر نیستند.
فرهنگیان

* رئیس جبهه اصلاحات به آیت‌الله اژه‌ای ریاست محترم قوه قضائیه نامه زده و به اعدام‌های اراذل اصفهان اعتراض کرده است. مایه شرم و ننگ است که با نامه‌نگاری خواستار لغو اعدام و عدم مجازات جانیان و اوباشی باشند که اقدام به کشتار، قتل فجیع و آتش زدن ماموران امنیتی و سپس رقصیدن بر سر پیکر سوخته شده آنان کرده‌اند.
خدامان

* اگر وفاق و وحدت در برابر دشمن اهمیت دارد، چرا تخریب یک مسئول عالی‌رتبه کشور و نماینده رهبر انقلاب در شعام، نباید با همان حساسیتی محکوم شود که برای تخریب سایر دولتمردان محکوم می‌شود؟!
مردی‌ها

* بعد از اعدام قاتلان شهدای فراجا در میدان علیخانی اصفهان، ضدانقلاب برای ساعت ۲۴ همان شب در این میدان فراخوان داد. مردم هم پاسخ فراخوان ضد انقلاب را با حضور پیش‌دستانه در این میدان دادند. این یعنی مردمی‌سازی امنیت که گمشده امنیت بود و حالا به برکت بعثت مردم فراهم شده است.
فرجام

اعتراف رسانه غربی به ضربات ویرانگر ایران به مواضع جاسوسی آمریکا

«ان‌بی‌سی» در گزارشی نوشت که ضربات ایران به مواضع اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در منطقه باعث خسارات گسترده شده است.

ان‌بی‌سی نیوز در گزارشی اعتراف کرد که ایران با حملات تلافی‌جویانه خود میلیاردها دلار به مواضع جاسوسی، اطلاعاتی و تجهیزات نظارتی ارتش تروریست آمریکا در منطقه خسارت وارد کرده است.

این گزارش به نقل از چهار فرد آگاه از این موضوع، اعلام کرد که این حملات به ساختمان‌ها و تجهیزات جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده سیا و سایر آژانس‌های جاسوسی ایالات متحده آسیب گسترده رسانده است.

در این گزارش آمده است که انتظار می‌رود تعمیر یا جایگزینی این خسارات به میلیاردها دلار نیاز داشته باشد.

این منابع گفتند که مقیاس تخریب، بزرگ‌تر از هرگونه خسارتی است که قبلاً توسط آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده متحمل شده است.

به گزارش تسنیم، از زمان تجاوزات ایالات متحده و رژیم اسرائیل به ایران در ماه فوریه، تنش‌ها در منطقه افزایش یافته است. تهران در پاسخ به این حملات دارایی‌های ایالات متحده در منطقه را هدف قرار داده است.